

## هنجارگریزی واژه‌ی «عشق» در شعر فروغ فرخزاد

سارا امین<sup>۱</sup>

دکتر محسن ایزدی‌یار<sup>۲\*</sup>

دکتر محمدرضا زمان‌احمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از نظریات فرمالیست‌ها عدول زبان ادبی از زبان معیار است؛ آن‌ها سبک را بر حسب عدول و خروج از معیارها مطالعه می‌کردند و همین موارد از قدیم مورد توجه ادبای بدیع و بیان بوده است که بر پایه‌ی آن امروزه بحث هنجارگریزی توسعه یافته است؛ و آن‌ها به انواعی چون هنجارگریزی آوایی، لغوی، نحوی و سبکی تقسیم کرده‌اند. شعر معاصر نیمایی، گونه‌ای از هنجارگریزی در مقایسه با شعر کلاسیک و سنتی است. از میان شاعران نوگرا فروغ فرخزاد یکی از موفق‌ترین شاعران معاصر است که در آثار خود به بهترین شیوه واژه‌ی «عشق» را در انواع هنجارگریزی معنایی، واژگانی و سبکی به کار برده است. هنجارگریزی واژه‌ی «عشق» در شعر وی ریشه در زندگی پر تلاطم و دگرگونی بینش او دارد. در پژوهش حاضر بر آن هستیم با توجه به دیوان فروغ با روش تحقیق کتابخانه‌ای و شیوه‌ی تحلیلی - توصیفی هنجارگریزی واژه‌ی عشق را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. نتیجه‌ی پژوهش نشانگر آن است که فروغ، در مواجهه با عشق بیشتر از هنجارگریزی معنایی بهره گرفته است.

**واژگان کلیدی:** عشق، هنجارگریزی، معنایی، واژگانی، سبکی

---

۱. دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

Email: fsara.amin@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: izadyar.mohsen@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ایران.

Email: Dr-zamanahmadi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

## مقدمه

نیک آگاهییم برجستگی<sup>۱</sup> زبانی و هنجارگرایی<sup>۲</sup> انواع مختلفی دارد، اندیشمندان بیشماری تحت عناوین و تقسیم‌بندی‌های گوناگون بدان پرداخته‌اند از جمله؛ آرایه‌های ادبی و صنایع ادبی در زبان فارسی که می‌توان آن را گونه‌ای از هنجارگرایی دانست. در این جستار برآنیم که هنجارگرایی را از دودیدگاه - نزدیک بهم - لیچ<sup>۳</sup> و دکتر شفیع کدکنی مورد بررسی قرار دهیم.

«عشق» از جمله موضوعاتی است که از دیرباز در جوامع بشری مورد توجه است. در طول تاریخ با روند زندگی، تحولات سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و... دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. با این وصف عشق از جمله مباحثی است که می‌توان از زاویه علوم مختلف به آن پرداخت و از آنجایی که بیشترین درهم تنیدگی را با روان و احساسات آدمی دارد؛ بیشتر در آثار ادبی و روانشناسی جلوه‌گر است. عشق در میان شاعران معاصر به گونه‌ای متفاوت از گذشته بیان شده به ویژه در آثار فروغ فرخزاد، هنجارشکنانه نمود پیدا کرده است. عشق آسمانی از دیدگاه شعر کلاسیک فارسی تقدیس شده است و عشق زمینی، بی‌پشتوانه و برپایه هوی و هوس تعریف شده، حال آنکه «تفکیک عشق به حقیقی و مجازی و نفی عشق مجازی، اگرچه تنها گرایش موجود در شعر عاشقانه کهن ما نیست، وجه غالب آن هست.» (محمد مختاری، ۱۳۹۴: ۳۳) اما عشق در ذهنیت غنایی دوره معاصر، روند متفاوتی از دوره‌های قبل را طی می‌کند، ساختارشکنی در فرم شعر همراه با تغییر در نوع نگاه به مفاهیم و محتوای رایج شعری است و در این میان، نوع نگاه به عشق جایگاه ویژه‌ای دارد. فروغ از جمله شاعرانی است که با بیان عشق به شیوه نوین و از دریچه‌ای که تا قبل از او اینگونه نگریسته نشده بود، پرداخت و دست به هنجارشکنی زد. حضور فروغ به عنوان یک شاعر زن و بیان احساسات زنانه، خود به تنهایی بستری برای خلق نگاهی نو و معانی جدید ایجاد می‌کند بررسی عشق در اشعار فرخزاد از منظر هنجارگرایی، سایه‌های پنهان و فحوای اندیشه او را به ما می‌نمایاند. حضور فروغ در ادبیات فارسی خود نوعی

---

۱. Foregrounding

۲. Deviation

۳. Lich

سنت شکنی در زبانی سراسر مردانه محسوب می‌شود، او در اوج جوانی با زبانی پر شور و احساساتی، با نگاهی انتقادی و مبارزه جویانه علیه تفاوت‌ها و تبعیض‌ها می‌ایستد و وجهی از عشق را می‌نماید که پیش از او بی‌سابقه بوده؛ بیان عشق از زاویه زنانه و پرداختن به معشوقه‌ای که این بار مردی است زمینی.

### پیشینه پژوهش

چنان چه از کاوش تحقیقی ما بر آمد تاکنون پژوهشگران اغلب هنجارگرایی را در اشعار شاعران گذشته و معاصر مورد تحقیق قرار داده‌اند. اما ما در این جستار پیرامون یک واژه در دیوان شاعر معاصر آن را مورد واکاوی و پژوهش قرار دادیم که از این نظر قابل توجه است. مقالاتی که در مورد هنجارگرایی و فروغ نوشته شده است بسیار است که ما به چند نمونه اندک بسنده می‌کنیم. بررسی هنجارگرایی در شعر فروغ فرخزاد به پژوهش مرتضی جعفری که در سال ۱۳۹۲ در مجله علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا منتشر شده است. پژوهشگر در این پژوهش به این نتیجه دست یافته است که فروغ به جای خلق ترکیبات، کاربرد ترکیبات را در محور هم نشینی کلام تغییر می‌دهد و از رکاکت کلام پرهیز می‌کند.

پایان‌نامه‌ای با عنوان «هنجارگرایی کلامی در شعر فروغ فرخزاد» در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه به استاد راهنمایی حمید خانیان، توسط دانشجوی ارشد «مهناز آزادی» دفاع شد که در این پایان نامه از فرمالیسم ادبی سخن به میان آورده تا به هنجارگرایی رسیده است و هنجارگرایی را موجب «برجسته سازی» در کلام و آشنا زدایی می‌داند.

مقاله‌ای از داوودی مقدم و اختری در سال ۱۳۹۵ در نشریه ادب عربی با عنوان «عصیان و هنجارگرایی در شعر فروغ فرخزاد و غاده السمان» چاپ شده است که پژوهشگران در این مقاله بر آن هستند که فروغ و غاده با زبانی زنانه و نمادپردازی‌های شاعرانه بسیاری از سنت‌های خرافی را و کلیشه‌های رایج روزگار را به چالش می‌کشند و از موضوعات مربوط به زن شرقی و روزمرگی‌های آنان، سخن می‌گویند.

## ضرورت تحقیق

با تحلیل هنجارگریزی در سطح شعر می‌توانیم به انحراف از نُرم و عدول از آیین رایج در ارتباط با واژگان، معانی و سبک پی ببریم. در این پژوهش ما برآنیم که آثار فروغ فرخزاد را از منظر هنجارگریزی پیرامون واژه «عشق» مورد بررسی قراردهیم و به معانی ذهنی شاعرو نوع نگاه او دست یابیم.

تحقیق حاضر از آن نظر ضروری می‌نماید که در اغلب موارد هنجارگریزی به صورت کلی در آثار فروغ فرخزاد مورد بررسی قرار گرفته است.

## پرسش پژوهشی

چه عواملی موجب شده است که فروغ در کاربرد واژه‌ی عشق هنجارگریزی کند؟  
 آیا فروغ تحت تأثیر دیگر شاعران بوده است یا نگاه نوینی را به کار گرفته است؟  
 کدام نوع هنجارگریزی بیشترین بسامد را در دیوان فروغ دارد؟

## چارچوب نظری

ردپای هنجارگریزی و برجسته سازی را می‌توان در آراء فرمالیست‌های روسی<sup>۱</sup> یافت. «جنبش فرمالیسم روسی که به سال ۱۹۱۴ نخستین نشانه‌هایش آشکار شدند در آخرین سال‌های دهه‌ی ۱۹۲۰ در پی حمله‌های رژیم استالین<sup>۲</sup> از هم پاشید؛ اما در همین فاصله‌ی کوتاه به یکی از مهمترین آیین‌های اندیشه‌گرانه‌ی سده حاضر تبدیل شد و تأثیر مباحث اصلی و روش کار فرمالیست‌ها هنوز هم بر نظریه‌ی ادبی آشکار است.» (احمدی، ۳۸: ۱۳۸۸)

هنجارگریزی، انحراف از قواعد حاکم بر زبان هنجار است که با زبان متعارف مطابقت ندارد؛ «این اصطلاح برگرفته از حوزه‌ی زبان‌شناسی مدرن و نقد زبان‌شناسیک است و از رهگذر زبان

۱. Russian Formalism

۲. Estalin

انگلیسی به مباحث نقد ادبی و زبان‌شناسی فارسی راه یافته است. انحراف از نُرم در حوزه‌ی زبان‌شناسی به هر نوع استفاده زبانی از کاربرد معناشناسیک تا ساختار جمله که مناسبات عادی و متعارف زبان در آن رعایت نشود؛ اشاره دارد.» (داد، ۱۳۸۵: ۵۴۰).

نقش مهم زبان روزمره یا هنجار انتقال پیام و برقراری ارتباط است، حال آنکه ادبیات در بستر زبان با بهرمندی از ترفندهای زبانی و اندیشگانی جهانی نوین خلق می‌کند، در این خلق نوین علاوه بر انتقال پیام، زیبایی کلام، پرواز اندیشه و خیال نمایان است.

نظرات فرمالیست‌ها تاثیر بسزایی در روند نقد و بررسی زبان‌شناسی ادبیات در قرن بیستم داشته است، «این مساله خودکاری<sup>۱</sup> زبان و برجسته سازی که شکلوفسکی<sup>۲</sup> و موکاروفسکی<sup>۳</sup> مطرح کرده بودند در دست زبان‌شناسانی چون لیچ بسط و گسترش یافت. به اعتقاد لیچ برجسته سازی به دو گونه تحقق می‌یابد. هنجارگرایی و قاعده افزایی. هنجارگرایی معمولاً در حوزه بدیع معنوی است و شعر می‌سازد اما قاعده افزایی<sup>۴</sup> در حوزه بدیع لفظی است و نظم می‌آفریند.» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۷۷)

در میان میان می‌توان به دیدگاه صاحب نظران ایرانی نیز اشاره داشت از جمله دکتر شفیعی کدکنی معتقد است: «در مجموع، راه‌های شناخته شده تمایز زبان، یا رستاخیز کلمه‌ها را، در سطح مختلف آگاهی‌هایی که ممکن است اهل زبان داشته باشند، می‌توان به این صورت تقسیم‌بندی کرد، اگرچه همه در حوزه زبان است ولی در تقسیم‌بندی کوچکتر می‌توان بدین گونه مقوله‌بندی (شود: ۱) گروه موسیقایی (۲) گروه زبان‌شناسیک» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۷) و یا دکتر سیروس شمیسا که می‌گوید: «از نظر من هنجارگرایی به زبانی و فکری و ادبی تقسیم می‌شود. زبانی سه بخش آوایی و لغوی و نحوی دارد. مسائل بیانی و بدیعی جزو مسائل ادبی است و هنجارگرایی معنایی مربوط به مسائل فکری است.» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۴۴)

۱. Automatisation
۲. Shklovsky
۳. Mukarovsky
۴. Extra Regularity

## کلیات سبک‌شناسی

تقسیم‌بندی هنجارگریزی از نگاه لیچ، شامل:

۱. هنجارگریزی واژگانی: شاعر واژه‌ای جدید می‌آفریند.
۲. هنجارگریزی نوشتاری: شیوه نگارش شعر به صورت عمودی و یا نقطه‌گذاری به شیوه جدید و متفاوت.
۳. هنجارگریزی آوایی: تلفظ واژه‌ها خارج از زبان هنجار و به گونه‌ای متفاوت.
۴. هنجارگریزی نحوی: شاعر قواعد نحوی زبان معیار را در هم می‌ریزد و در محور همنشینی تصرف می‌کند.
۵. هنجارگریزی معنایی: خلق معنای جدید و یا ثانویه برای کلمات - منطبق بر گروه زبان‌شناسیک از دیدگاه دکتر شفیع کدکنی - از جمله آرایه‌هایی چون: استعاره، پارادوکس، تشخیص، مجاز و...
۶. هنجارگریزی گویشی: بهره‌گیری شاعر از واژگانی خارج از زبان هنجار
۷. هنجارگریزی سبکی یا اصطلاحی: استفاده از زبان گفتاری و عامیانه در شعر
۸. هنجارگریزی زمانی: که می‌توان آن را آرکائیسیم یا باستان‌گرایی نامید، یعنی شاعر از واژه‌ها و یا ساخت‌های نحوی که در گذشته متداول بوده و در حال حاضر کاربرد ندارد بهره‌برد. (صفوی، ۱۳۹۴)

چنانچه پیشتر گفتیم، هنجارگریزهای متعدد در ادبیات فارسی متداول بوده و است اما در گذشته به این گونه تقسیم‌بندی نشده بود. این هنجارگریزی‌ها در یک زمان خاص متوقف نشده و سیال در ادبیات فارسی است. چنان‌چه در شعر معاصر علاوه بر نیما و اخوان ثالث که در کاربرد هنجارگریزی برجسته هستند؛ در شعر شاملو، سهراب و فروغ نیز بسامد بالایی دارد.

## عشق

بی‌شک عشق یکی از مفاهیم بسیار مهم برای جامعه‌ی بشری است، موضوعی که از لحظه‌ی حضور انسان در جهان هستی خود نمایی کرده است و بنا به گرایش‌های گوناگون از بعد فلسفه،

روانشناسی، ادبی، عرفانی، مذهبی و... بدان پرداخته شده است. تبلور و بازتاب عشق در گذر زمان بنا به زمان، مکان، موقعیت، شرایط محیطی، تصور و عقاید گوینده و مخاطب با توجه به فرهنگ و پیشینه‌ی تاریخی، مذهبی و اجتماعی که در آن شکل می‌گیرد، به گونه‌های متفاوتی پدیدار می‌گردد.

این حضور مداوم و همیشگی عشق و سوژه گی آن، اهمیت این مفهوم را در ذهن بشری به ما یاد آوری می‌کند.

عشق مفهومی است سیال که در ظرف جغرافیا، تاریخ و نگرش‌ها، نمودهای گوناگونی یافته است. از این روی می‌توان آن را از آن دست موضوعاتی دانست که همواره با هستی انسان درآمیخته است که از زمان حیات انسان در جهان و تا هنگام عدم او، به زندگی خود ادامه خواهد داد.

هر برهه از زمان شرایط ویژه خود را دارد که عوامل گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بر روی آن تاثیرگذار است و یک فضای کلی را خلق می‌کند و از سوی دیگر هر شاعر، نویسنده، اندیشمند، فیلسوف و... بنا به تجربیات، دانسته‌ها، نوع نگاه و خواسته‌ها؛ ویژگی‌های فردی بدان می‌افزاید. -البته این مورد تنها درباره‌ی افراد صاحب سبک و خلاق صدق می‌کند - دگرگونی مفهوم عشق در ادب فارسی نیز یکی از نمونه‌های بارز تفاوت در دیدگاه مردمان سرزمینمان است.

عشق در دوره‌ی پیش از معاصر، صرفاً به عشق زمینی و آسمانی تقسیم می‌شده است. جداسازی روح از جسم در ارتباط با عشق آسمانی ارزشمند تلقی می‌شده است و عشق زمینی که با جسم و غرایز سنجیده می‌شده؛ بی‌ارزش تلقی می‌گردید.

حال اینکه، این نوع از نگرش در شعر معاصر تغییر یافت و دیگر انسان تنها نظاره‌گر صرف تقدیر و حوادث نیست بلکه اوست که با افکار و برخوردهایش نقش کلیدی را در سرنوشت خویش بازی می‌کند و این تغییر نگاه به انسان و جایگاهش، تعبیر و تفسیر مفاهیم زیادی را دچار دگرگونی کرد که در این میان ما به مقوله‌ی عشق نظر داریم. این تحول معنایی در مفهوم عشق

بخوبی در آثار ادبی شاعران معاصر متجلی گردیده است، از جمله فروغ فرخزاد، شاید بتوان گفت: عشق یکی از برجستگی‌های معنایی شعر فروغ است. او شاعری پیشرو محسوب می‌شود، زیرا نه تنها مفهومی نو بر ساختمان شعر فارسی افزوده، بلکه محتوا و زیبایی‌هایش را نمایان تر ساخته است.

## فروغ فرخزاد

نخستین مجموعه شعر او به نام «اسیر» در سال ۱۳۳۱، دومین مجموعه‌اش «دیوار» و سومین مجموعه شعرش «عصیان» را در بیست و دو سالگی به چاپ رساند. تحول فروغ در چهارمین دفتر شعرش «تولد دیگر» کاملاً مشهود است این اثر که در زمستان ۱۳۴۳ به چاپ رسید؛ نشان از تحولی ژرف و نگاهی نو در مسیر شاعری او دارد.

«شخصیت اصیل و ممتاز و مستقل او با آخرین کتابش تولدی دیگر آشکار شد. در این کتاب با شاعری بزرگ رو به رو می‌شویم که بی‌هیچ گمان، تاریخ ادبیات ایران او را به عنوان بزرگ‌ترین زن شاعر در طول هزارساله خویش خواهد پذیرفت و در قرن ما یکی از دو چهره برجسته شعر امروز خواهد بود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۶۴)

شعر فروغ فرخزاد، مطرح‌ترین صدای زنانه در ادبیات فارسی است. این جایگاه از دو جریان نشأت می‌گیرد: نخست جریان ذهنیت ناپخته شاعر که قادر به بیان خواست درونیش نیست و کلامش در قالب مرد ستیزی متبلور می‌شود و از اینرو با خشم از عشق می‌سراید، گاه با افسوس و دریغ و گاهی آن را هوس می‌پندارد. اما «بر خلاف تصور یا تاویل برخی از اخلاق‌گرایان قشری و سطحی، شعر فروغ یک شعر اروتیک نیست. بلکه شعری است که از درک قدرت هم‌آغوشی و یگانگی عاشقانه، برای رسیدن به وحدت خلوق، در ابعاد عام انسانی و اجتماعی ناشی شده است.» (محمد مختاری، ۱۳۹۲: ۵۷۹) او بدنبال دیده شدن و شنیده شدن است منتهی در زندگی شخصی خویش محصور شده و با زبان و ذهنیت ناشکופا به طغیانگری زبانی رو می‌آورد؛ جریان دوم با رشد و شکوفایی ذهنی فروغ همراه است او با گذر زمان به پختگی ذهنی



و رشد کلامی و هماهنگی دست می‌باید و عشق را برآیندی از وحدت و یگانگی وجود ترسیم می‌کند و از دایره شخصی به حیطه عمومی وارد می‌شود.

### هنجارگریزی معنایی در اشعار فروغ

در گذار از زبان روزمره به زبان ادبی واژه‌ها از خودکار شدگی خارج می‌شوند و شعرا و نویسندگان با خلق مضامین نو و یا گسترش معنای کلمات، موجب خیال‌انگیزی، نوآوری در حیطه مفاهیم می‌شوند، مجموعه عواملی که دکتر شفیعی کدکنی آن را گروه زبانشناسیک می‌نامد. شاعران برای رسیدن به آن از آرایه‌های ادبی چون: استعاره، کنایه، تشبیه، پارادوکس و... بهره می‌جویند.

شستشویش دهم از لکه عشق

زین همه خواهش بی‌جا و تباه

(فرخزاد، ۱۳۸۶: ۴۷)

فروغ در این بند از عشق گریزان است و بر خلاف گذشتگان؛ آن را از نمود پاکی و قداست دور گردانیده و عشق را آلوده به هوس می‌بیند، چون لکه‌ای است که رنگ گناه را بر دلش نقش بسته است.

همین مضمون در بخشهای دیگر شعر فروغ باز تکرار شده است:

- دل نیست این دلی که به من دادی

در خون طپیده، آه، ره‌ایش ک

یا خالی از هوب و هوس دارش

یا پای بند مهر و وفایش کن

(همان: ۸۵)

- بخدا غنچه شادی بودم

دست عشق آمد و از شاخم چید

شعله آه شدم، صد افسوس

که لبم باز بر آن لب نرسید

(همان، ۱۳۸۶: ۴۸)

فروغ عشق را به انسان ستمگری تشبیه کرده است که دست دارد و از رهگذر هنجارگرایی معنایی مقصود ناامیدی خود را رسانده است. تشبیه از نمادهای برجسته‌ی هنجارگرایی معنایی است؛ آنچه در شعر رخ می‌دهد گذر از زبان روزمره و رسیدن به بیان شعریست؛ شاعر آگاهانه یا ناخودآگاه با بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی، وزن و آهنگ به زبان ادبی دست می‌یابد.

- عشقی به من بده که مرا سازد

همچون فرشتگان بهشت تو

(فرخزاد، ۱۳۸۶: ۸۵)

شاعر در این بند از شعر نگرش خود نسبت به عشق را بیان کرده، چیزی که او به دنبالش است و آن را مایه‌ی عمران و آبادانی می‌داند. این ویژگی عشق، مقدس و والاست چیزی که هنوز به آن نرسیده ولی درطلبش است.

- او شراب بوسه می‌خواهد ز من

من چه گویم قلب پر امید را

او به فکر لذت و غافل که من

طالبم آن لذت جاوید را

(همان: ۴۲)

عشق در زبان فروغ «جایی سرشار از روشنی و گرمی هستی است و جایی لبریز از هراس و دلهره و تباهی. فراموش نکنیم که عمر کوتاهی داشت و حادثه‌ای نامنتظره به زندگانی او پایان داد و نگذاشت او از برزخ تأملات رومانیک<sup>۱</sup> عبور کند و زنی بود بزرگ شده در جامعه‌ای پر از تضاد، پر از خشونت و مهربانی و طرد و نفی و پذیرش» (دستغیب، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

- دیگرم گرمی نمی‌بخشی

## ۱. Romantic

### عشقای خورشید یخ بسته

(فرخزاد، ۱۳۸۶: ۱۱۱)

فروغ می‌خواهد که سردی افسردگی خود را با «عشق» گرم کند. او در این هنجارگریزی عشق را مخاطب قرار می‌دهد. بر همین اساس هنجارگریزی معنایی پیرامون انسان‌پنداری به وقوع می‌پیوندد. از سوی دیگر تشبیه عشق به خورشید که مظهر نورو گرم‌است و همزمان تضاد در مفهوم ارائه شده از خورشید (یا همان عشق) زیبایی این هنجارگریزی را دو چندان می‌کند.

-آسمان‌ها را به دنبال تو گردیده

در ره خود خسته و بی‌تاب

یاسمن‌ها را به بوی عشق بوئیده

(فرخزاد، ۱۳۸۶: ۱۵۴)

فروغ در جریان اشعار خود سعی بر آن داشته است که از روابط هم‌نشینی واژگان بهره کافی ببرد و این هنر اوست؛ وی این هنر را در قالب هنجارگریزی بیان می‌کند. ایجاد شبکه‌ی معنایی و تناسب با گیاهان در این بند به صورت ملموس درک می‌شود. وی از عشق با تناسب واژگانی همچون «بوئیده» و «یاسمن» از آن گلی خوشبوی استنباط کرده است.

- و عشق،

که در سلامی شرم آگین خویشتن را بازگو می‌کرد

در ظهرهای گرم دود آلود

(همان، ۱۳۸۶: ۲۰۹)

فروغ در این بند از شعر خویش، مخاطب عشق را مدنظر قرار داده است در این بند عشق، انسانی تصور شده است که دارای قوه‌ی درک و شعور است و قادر است ارتباط برقرار کند و اندیشه کند و گاهی سلامی با لحن شرم‌آگین بدهد، بنابراین عشق موجودی انسانی است که مورد گفتگو قرار می‌گیرد، نوعی اندیشه فلسفی در نگاه فروغ به جزئیات هر روزه و همیشگی زندگی پیداست.

- آن چنان آلوده ست  
عشق غمناکم با بیم زوال  
که همه زندگیم می لرزد  
چون ترا می نگرم  
مثل اینست که از پنجره‌ای  
تک درختم را، سر شار از برگ  
در تب زرد خزان می نگرم  
مثل اینست که تصویری را  
روی جریان‌های مغشوش آب روان می نگرم

(همان: ۲۱۱)

در این بند شاعر عشق را که نشان پویایی، زایایی و شادمانی است غم‌انگیز توصیف می‌کند که هر لحظه امکان از بین رفتنش است، فروغ حس عبور و گذرا بودن ونیستی را در اوج لحظه عاشقانه بیان می‌کند، در همتیدگی عشق که جاودانگی ست با زوال و ناپایداری که نشان از حقیقت زندگی دارد.

«عرصه‌ای که همان دنیای ذهنی متوسع و متفرد فروغ است و در آن بیش از هر چیز، نگرانی و اضطراب، تنهایی و بیهودگی، مسخ و دگردیسی، هول و وحشت و تاریکی و ظلمت موج می‌زند. امواجی که همواره در دوائر جاذبه و دافعه دورنمایه اصلی شعر او یعنی؛ دلهره زوال، در رفت و آمدند.» (حقوقی، ۱۳۸۷: ۳۹)

- هر که دلدادش به دلدارش  
ننشیند به قصد آزارش  
برود چشم من به دنبالش  
برود عشق من نگهدارش

(فرخزاد، ۱۳۸۶: ۱۹۷)

فروغ در جریان عاطفی زندگی خویش عشق را در برهه‌های مختلف با هنجارهای گوناگونی تصور کرده است. در این بند به عشق قداست ویژه‌ای می‌بخشد و او را چنان می‌پرورد که حافظ و نگهدارنده است. این نوسان فکری را می‌توان در دفتر تولدی دیگر، شعر «شعر سفر» به وضوح کامل مشاهده کرد.

- افسوس ما خوشبخت و آرامیم  
افسوس ما دل‌تنگ و خاموشیم  
خوشبخت زیرا دوست می‌داریم  
دل‌تنگ، زیرا عشق نفرینست

(همان: ۲۰۵)

دستغیب در تحلیل این بند نوشته است «روشن است که در این جا سراینده از مرحله‌ی وصف سخنانی از این قسم: تن من در میان بستر نرم/ به روی سینه‌اش مستانه لرزید، بسیار دور شده است. او در تولدی دیگر سه گام بزرگ بر می‌دارد و راه تازه‌ای پیش می‌گیرد» (دستغیب، ۱۳۸۵: ۷۰).

در این هنجارگریزی معنایی، فروغ عشق را به مانند نفرین می‌پندارد، تقابل و تضاد این دو حس هاله‌ای از ابهام را می‌آفریند، در اینجا هنوز شاعر بدنبال معنای نهایی و آرمانیش از عشق است و آن را همچنان نمی‌یابد زیرا از دید او عشق، بی‌اعتبار، فرار و ناپایدار است فروغ خود اذعان دارد شعر باید تبلور جامعه باشد «همه‌ی اشعار نباید بوی عطر بدهد، بگذارید آن قدر غیر شاعرانه باشد که نتوان آن را در نامه‌ای نوشت و به معشوقه فرستاد...» (طاهباز، ۱۳۷۶: ۴۵).

## هنجارگریزی واژگانی در اشعار فروغ

در هنجارگریزی واژگانی، شاعر با انحراف از فرم، واژه‌ی نوینی می‌سازد یا با قاعده کاهش و افزایش واژه را طوری بیان می‌کند که بر وزن شعر آسیبی وارد نشود و اختلالی در عروض، پیش

نیاید. «این نوع هنجارگزینی تنها مختص به یک شاعر یا یک دوره‌ی خاص نمی‌باشد. بلکه هر شاعری در هر دوره‌ای تلاش خود را صرف می‌کند تا شعرش را تازه‌تر و زیباتر به خوانندگان ارائه دهد؛ بنابراین در هر شعری و در هر دوره‌ای ما شاهد چنین گویش‌ها و سرایش‌ها خواهیم بود» (یوسف‌لو و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۸).

فروغ نیز از این امر مستثنی نبوده و در هنجارگزینی واژگانی در پیرامون «عشق» نهایت تبحر خود را به کار گرفته است که در ادامه به بررسی هر یک می‌پردازیم.

- دیروز به یاد تو و آن عشق دل‌انگیز  
بر پیکر خود پیرهن سبز نمودم  
در آینه بر صورت خود خیره شدم باز  
بند از سر گیسویم آهسته گشودم

(فرخزاد، ۱۳۸۶: ۴۳)

فروغ برای «عشق» صفت «دل‌انگیز» بودن را به کار برده است؛ فروغ با توجه به این که در فرهنگ لغات برای تعریف عشق از واژگانی همانند دل‌دادگی، دل‌باختگی و دل‌بردگی استفاده شده است؛ سعی داشته است ترکیبی نوین خلق کند که در هیچ فرهنگی نیامده باشد و آن را طوری بیاراید که مثل سایر واژگان مترادف واژه‌ی «دل» در جزء نخست آن قرار گیرد و آن را «دل‌انگیز» نامیده است.

- می‌نویسم روی دفتر خویش  
جاودان باشی ای سپیده‌ی عشق

(فرخزاد، ۱۳۸۶: ۱۰۱)

فروغ به چنان تبحری در صناعات ادبی و زبانی دست یافته است که با هنجارگزینی از واژگان، اسم را در جایگاه صفت به کار می‌برد و از «عشق» صفتی برای سپیده دم یاد می‌کند. قبل و بعد از وی هیچ یک از شاعران سپهر ادب ایران، دست به چنین ابتکاری نزده‌اند و این واژه‌ی ترکیبی مختص فروغ است.

- وه چه شیرین‌ست

بر سر گور تو ای عشق نیازآلود

پای کوبیدن

(همان: ۱۱۶)

شاعر در وهله‌ی نخست عشق را به انسانی تشبیه می‌کند که نیازمند است و از استغنائی عرفانی خالی است؛ و چون از نیاز به مرحله‌ی نیازمندی رسیده است تا حدودی از قداست افتاده است و آلوده شده است، از این روی مرگ و زوال آن عشق را باید جشن گرفت و پای کوبید و شادی کرد. جاندارانگاری عشق هنجارگریزی معنایست و نیازآلوده بودن عشق، هنجارگریزی واژگانی است.

«سنت پدیده‌ای است؛ ایستا و نگاه سنتی نگاهی است؛ مطمئن اما نگاه فروغ از دریچه‌ی وصف‌هایش، نگاهی است که همه چیز در آن: سرگردان و مشوش و مضطرب و گذران و درهم و پریده رنگ و نامعلوم و بی‌اعتبار و فرار و دوردست و پریشان و بی‌سامان و... است. در مرکز تمامی این وصف‌ها نوعی ابها و بی‌قراری وجود دارد و این ابهام و بی‌قراری درست نقطه‌ی مقابل همان چیزی است که سنت بدان دعوت می‌کند، یعنی: اطمینان و ثبات» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۶۸)

- دیدم که پوست تنم از انبساط عشق ترک می‌خورد

دیدم که حجم آتشینم

آهسته آب شد

(همان: ۲۱۷)

نهایت زیبایی واژه آفرینی فروغ شاید در همین «انبساط عشق» باشد؛ زیرا انبساط و انقباض مختص دل آدمی است- آن هم با عبارت کنایی دلم گرفت یا دلم باز شد به کار می‌رود. - و عشق نیز جای در دل دارد. فروغ با در آمیختن آرایه‌ی مجاز محلیه دست به هنجارگریزی واژگانی زده است که تنها در دیوان او رد پای آن را می‌توان یافت.

- از ساقه‌های سیمی می‌چیدی  
و در سیاهی ظالم مرا به سوی چراگاه عشق می‌بردی  
تا آن بخار گیج که دنباله‌ی حریق عطش بود بر چمن  
خواب  
می‌نشست

(همان: ۳۱۸)

«فروغ خواب را نوعی تخیل در نظر گرفته است که چراگاه عشق در آن واقع شده است. واژه‌ای که هنجارگریزی واژگانی را برجسته کرده است «چراگاه عشق» است که در هیچ دیوانی نتوانستیم همانند آن رایبیم. برخلاف انتظار در سه دفتر اول که غالب موضوعات عاشقانه و بیان‌گر احساسات تند و هیجانات دوران جوانی شاعر است، تعداد واژگان جنسی بسیار کم است؛ اما مفاهیم و تصاویر جنسی زیاد است؛ در ابیات فوق بدون آوردن حتی یک واژه‌ی جنسی تصویر جنسی خلق شده است» (جعفری، ۱۳۹۲: ۹۴).

در جمع‌بندی این بخش می‌توان چنین نوشت که فروغ از جمله شاعران معاصر است که به زیبایی از عهده‌ی شعر و شاعری برآمده است و چنان با دقت به الفبای شعر آگاه است که دست به هنجارگریزی واژگانی زده است که نه تنها وزن عروضی شعر نیمایی بر هم نخورده است بلکه ذهن خواننده را نیز به چالش می‌کشد و از این رهگذر است که در ذهن خواننده ب

## هنجارگریزی سبکی در اشعار فروغ

در هنجارگریزی سبکی، شاعر بیشتر زبان خود را به زبان گفتاری نزدیک می‌کند و از واژه‌یابی دشوار خود را می‌رهاند به عبارتی «این امکان برای شاعر وجود دارد که از لایه‌ی اصلی شعر که گونه‌ی نوشتاری معیار است گریز بزند و از واژگان یا ساخت‌های نحوی گفتاری استفاده کند.» (صفوی، ۱۳۹۴: ۵۷).



این نوع هنجارگریزی در ادبیات فارسی معاصر اغلب در آثار اخوان ثالث مورد توجه است؛ با این حال در اشعار فروغ نیز می‌توان بندهایی را یافت که زیر مجموعه‌ی هنجارگریزی سبکی است.

- من که پشت پا زدم به هر چه هست و نیست

تا که کام او ز عشق خود روا کنم

لعنت خدا به من اگر به جز جفا

زین سپس به عاشقان با وفا کنم

(فرخزاد، ۱۳۸۶: ۶۷)

شیوایی و روانی بیان فروغ فرخزاد در این بند به وضوح دیده می‌شود. زبان فروغ انگار از زبان کوچه و بازار سرچشمه گرفته است. شمیسا می‌نویسد: «شعر او عین حرف زدن، روان و سراسر است با همین لغات مستعمل و رایج امروزی و روی هم رفته زبان سلیس و به قول قدما فصیح و بلیغ دارد؛ و یکی از مواردی که به روانی زبان او کمک شایانی کرده است، اوزان شعری اوست که معمولاً به طبیعت کلام گفتاری نزدیک‌اند» (شمیسا، ۱۴۰۱: ۲۵۵).

- او خانه‌اش در آن سوی شهر است

او در میان خانه‌ی مصنوعیش

با ماهیان قرمز مصنوعیش

و در پناه عشق همسر مصنوعیش

(فرخزاد، ۱۳۸۶: ۳۳۸)

همان گونه که در بند فوق آمده است، زبان فروغ بسیار ساده و روان است. چنان چه همه توان دریافت آن را دارند و نیازی به تحلیل و توصیف نیست و در آن هیچ واژه‌ای نیست که بخواهیم برای درک مطلب به فرهنگ‌ها مراجعه کنیم.

فروغ بیان می‌کند «من در شعرم بیشتر از هر چیز دیگر سعی می‌کنم از زبان استفاده کنم، یعنی من چون این نقص را در زبان شعری خودمان احساس می‌کنم؛ نقصی که می‌شود اسمش را کمبود کلمات گوناگون نامید» (شمیسا، ۱۴۰۱: ۲۵۸). شعر فارسی از دیرباز در یک قالب

قراردادی با واژه‌های فاخر سروده شده است. در حالی که در شعر شاعران معاصر حضور واژه‌های روزمره پررنگ تر است، فروغ در بعضی از سروده‌های خود واژه‌های محاوره‌ای، ساده و روزمره را به زیبایی مورد استفاده قرار داده است.

## نتیجه‌گیری

هنجارگریزی یکی از مهم‌ترین شگردهایی است که برای برجسته‌سازی زبان و آشنایی زدایی در اشعار مورد استفاده جمع‌کثیری از شاعران قرار گرفته است. هنجارگریزی انواع مختلفی دارد که در بخش چارچوی‌های نظری بدان پرداختیم. با بررسی دیوان فروغ فرخزاد از منظر هنجارگریزی؛ به این نتیجه دست یافتیم که فروغ نیز همانند بسیاری از شاعران با تمام تبحر و هنرمندی خود دست به هنجارگریزی زده است. هنجارگریزی در سه حیطه‌ی: واژگانی، معنایی و سبکی. آنچه هنجارگریزی عشق در دیوان فروغ را قابل‌تامل کرده؛ نوع نگاه او به هستی است، فروغ بدنبال صنعت پردازی نیست؛ بیش از هر چیز به محتوا اهمیت می‌دهد و از این روی در سیر تطور آثارش؛ در سه دیوان اول شعرش، جهان را در من فردی خویش جستجو می‌کند و در گذر زمان و هنگام پختگی آن را به من فرا مرزی بدل می‌کند، یعنی عشق در نگاه فروغ از حیطه شخصی و جزء نگرانه به جنبه‌های نوین عمومی گسترش می‌یابد. در به کارگیری هنجارگریزی پیرامون مفهوم عشق نمی‌توان تاثیرگذاری دیگر شاعران را بر فروغ دید؛ زیرا او از جمله شاعران صاحب سبک و پیشروی معاصر است، فروغ با نگاه زنانه، برای اولین بار بدون هیچ انکاری از زنانگی و احساسات زنانه سخن می‌گوید و از فضای فرهنگی جامعه - که با نگاه و بیان عاشقانه زن بیگانه بود - فراتر می‌رود. در بررسی هنجارگریزی سبکی فروغ پیرامون واژه «عشق» نمونه‌های چندانی وجود نداشت و نسبت به سایر هنجارگریزی‌های دیگر در رده‌ی آخر و نهایی قرار دارد.

آگاهی فروغ به ساختار زبان فارسی چنان در واژه‌گزینی و ابتکار واژگانی فروغ ریشه دوانیده بود که این ابتکار جملات و کلمات و ترکیبات ادبی را در هنجارگریزی واژگانی به صورت تمام و زیبا مشاهده نمودیم. از جمله واژگان ابتکاری فروغ می‌توان به «چراگاه عشق»، «انبساط عشق»

و «عشق دل‌انگیز» اشاره کرد. در هنجارگریزی معنایی، دیوان‌های نخستین شاعر، عشق در جایگاهی هست که به هوس آلوده است و فروغ گاهی با خشم و نفرت از آن یاد می‌کند؛ افزون بر آن فروغ عشق را در این دوره به صورت انسانی می‌پندارد که ستمگر است. در دو دیوان آخر وی، عشق به چنان کمالی رسیده است که فروغ از آن با نگرشی مثبت یاد می‌کند او عشق را مقدس می‌داند که همانند گلی خوشبو است که موجب عمران و آبادانی است.

ضروری می‌نماید که بسامد هر یک از موارد را به یاری جدول ذیل ارائه دهیم:

جدول ۱) جدول بسامد انواع هنجارگریزی و مؤلفه‌های آن در دیوان فروغ (منبع: نگارندگان)

تعداد	تقسیم‌بندی	مؤلفه‌ها	انواع هنجارگریزی
۳	-	هوس	معنایی
۱	ستمگر	انسان پنداری	
۱	گرمی بخش		
۱	دارای درک و شعور		
۱	-	نفرت	
۱	-	گلی خوشبو	
۱	-	آبادانی	
۱	-	قداست	
۱۰	۳	۶	جمع
۱	-	عشق دل‌انگیز	واژگانی
۱	-	انبساط عشق	
۱	-	چراگاه عشق	
۳	۰	۳	جمع
۱	-	پشت پا زدم	سبکی
۱	-	همسر مصنوعیش	
۱	۰	۲	جمع

با توجه به جدول (۱)، پر بسامدترین هنجارگزیزی فرخزاد در حیطه‌ی معنایی است؛ فروغ در این هنجارگزیزی توانسته به بهترین نحو از عهده‌ی آن برآید و هنجارگریزی را به شیوایی ادا کند. در جمع‌بندی سخن باید چنین گفت که زندگی پرآشوب و روحیه‌ی لطیف فروغ و زبان و اندیشه‌ی متفاوت او موجب شده است که وی در پیرامون واژه‌ی «عشق» هنجارگزیزی کند. پیشنهاد ما در آخر جستار چنین است که پژوهشگران دیگر می‌توانند در رابطه با هنجارگزیزی نحوی و صرفی دیوان فروغ به پژوهش بپردازند.

## فهرست منابع و مآخذ

- احمدی، بابک. ساختار و تاویل متن، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۸
- جعفری، مرتضی، «برسی هنجارگزیزی در شعر فروغ فرخزاد»، مجله‌ی علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، سال ۴، شماره ۱، ۱۳۹۲، ۸۷-۱۰۴.
- حقوقی، محمد. شعر زمان ما (۴) فروغ فرخزاد، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۷، ۳۹.
- داد، سیما. فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: نشر مروارید، ۱۳۸۵، ۵۴۰.
- دستغیب، عبدالعلی. پری کوچک دریایی، تهران: نشر آتیمیس، ۱۳۸۵، ۱۶۷ - ۷۰.
- شمیسا، سیروس. کلیات سبک‌شناسی، تهران: نشر میترا، ۱۳۸۸، ۱۷۷-۴۴.
- شمیسا، سیروس. نگاهی به فروغ، تهران: نشر مروارید، ۱۴۰۱، ۲۵۸-۲۵۵.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، با چراغ و آینه در جستجوی تحول شعر معاصر ایران، تهران: نشر سخن، ۱۳۹۰، ۵۶۴-۵۶۸.
- صفوی، کورش از زبان‌شناسی به ادبیات جلد اول: نظم، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴، ۵۳-۵۸.
- طاهباز، سیروس. زنی تنها: زندگی و هنر فروغ فرخزاد، تهران: نشر زریاب، ۱۳۷۶، ۴۵.
- فرخزاد، فروغ. دیوان کامل، تهران: نشر اهورا، ۱۳۸۶، ۱۳-۳۵۱.
- مختاری، محمد، انسان در شعر معاصر، تهران: انتشارات توس، ۱۳۹۲، ۵۷۹.

مختاری، محمد، هفتاد سال عاشقانه، مشهد: نشر بوتیمار، ۱۳۹۴، ۳۳.

یوسفلو، زهرا؛ دهقان، علی؛ فرضی، حمیدرضا. «هنجار‌گزینی واژگانی در اشعار هوشنگ ابتهاج و نادر نادرپور»،

نشریه بهارستان سخن، سال ۱۱، شماره ۲۶، ۱۳۹۳، ۱۸۳-۲۰۲.



## **Deviation of the Word "Love" in Forough Farrokhzad's Poem**

**Sara Amin<sup>۱</sup>, Mohsen Izadyar Ph.D<sup>۲\*</sup>, Mohamadreza Zaman Ahmadi Ph.D<sup>۳</sup>**

### **Abstract**

One of the ideas of formalists is the deviation of literary language from standard language; They studied style in terms of deviations and deviations from standards, and these issues have been the focus of innovative and expressive literature since ancient times, on the basis of which the discussion of non-normalization has been developed today; And they have divided into types such as phonetic, lexical, syntactic and style deviations. Nimai's contemporary poetry is a type of deviance compared to classical and traditional poetry. Among the modern poets, Forough Farrokhzad is one of the most successful poets of this era, who in his works has avoided the norm of the word "love" in a variety of semantic, lexical and stylistic ways. Avoidance of the word "love" in his poetry is rooted in his turbulent life and failures. In the present research, we aim to investigate and analyze the normative deviation of the word love with reference to Diwan Forough with library research method and analytical-descriptive method. The result of the research shows that Forough has used the meaning of norm avoidance in most of the norm avoidance of love.

**Key words:** love, deviation, meaning, vocabulary, style.

---

۱. PhD student in Persian language and literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

Email: fsara.amin@yahoo.com

۲. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. (Author)

Email: izadyar.mohsen@yahoo.com

۳. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Arak Islamic Azad University, Iran.

Email: Dr-zamanahmadi@yahoo.com